

نگاهی به کتاب «شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی»

مکتب مردم‌داری و عدالت

از یک سال پیش و بعد از شهادت سردار سلیمانی، کتاب‌های زیادی منتشر شده است که هر کدام سعی دارند به بخش‌های مختلف زندگی این شهید توجه کنند. برخی کتاب‌ها ضعیف و برخی دیگر اما با توجه به تسلطی که نویسنده داشته، به بهترین شکل نوشته شده‌اند. «شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی» از جمله کتاب‌هایی است که توانسته است با توجه به موضوعی که برای کتاب انتخاب شده درمورد این مکتب صحبت و آن را واکاوی کند. این کتاب توسط، انتشارات خط مقدم به چاپ رسیده و علی شمیرازی، نماینده ولی فقیه در نیروی قدس سپاه پاسداران کتاب را نوشته است و برای کسانی که به دنبال مکتب سلیمانی هستند و می‌خواهند از او یاد بگیرند و الگوبرداری کنند، نمونه خوبی است. در این گزارش به این کتاب و بخش‌های مختلفی که مورد توجه نویسنده قرار گرفته است، می‌پردازیم.



عاطفه جعفری

روزنامه‌نگار

هدف اول سلیمانی: اسلام ناب محمدی(ص)

یکی از بخش‌های کتاب به بحث «اسلام ناب محمدی (ص)» می‌پردازد؛ مساله‌ای مهم برای هر مسلمان. نویسنده این بخش را با صحبت‌های رهبری در سال ۱۳۷۸ شروع می‌کند و می‌گوید: «عشقی، به‌معنای دوست داشتن شدید است. عشق به اسلام ناب محمدی (ص)، به‌معنی علاقه شدید به دین اسلام ناب و عمل به دستورهای الهی است.» رهبر انقلاب در ۱۴ خرداد ۱۳۷۸ در خطبه‌های نمازجمعه فرموده‌اند: «امام، هیچ ارزشی را بالاتر از ارزش اسلام به حساب نمی‌آورد. انقلاب و نهضت امام، برای حاکمیت اسلام بود. مردم هم که این نظام را قبول کردند، این انقلاب را به پا کردند و امام را پذیرفتند، برای انگیزه اسلامی بود. سرّ موفقیت امام این بود که صریح و بدون پرده‌پوشی، اسلام را روی دست گرفت و اعلام کرد من می‌خواهم برای اسلام کار کنم و همه چیز در سایه اسلام است.» معظم‌له همچنین در ۱۴ خرداد ۱۳۸۹ در خطبه‌های نمازجمعه تهران فرموده‌اند: «اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مساله اسلام ناب محمدی، صلی‌الله علیه‌وآله وسلم، است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پاهرنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان... فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار بود.» البته فکر سردار رشید اسلام، حاج‌قاسم سلیمانی نیز چون مراد و امامش، فکر اسلام ناب محمدی (ص) بود. آن عزیز بزرگوار، به تمام معنا ظلم‌ستیز، عدالتخواه و مدافع محرومان و مستضعفان جهان بود، و اسلامش را از امام خمینی گرفته بود.» سردار عزیز سلیمانی، این نگاه را از امام خمینی گرفته بود. وی در ۱۹ بهمن ۱۳۹۷ در بیت‌الزهرای کرمان، پس از بیان اینکه امام خمینی، افتخار تجدید حیات اسلام ناب را پیدا کرد، گفته است: «در این فضاست که می‌توانیم غبار غربت را نه‌تنها از تشیع بلکه از اسلام بزداییم.» وی خود در مقطعی از تاریخ، علمدار این قافله شد و با شجاعت و درایت و حکمت، غبار غربت را از چهره اسلام ناب محمدی (ص) زدود، و با شهادتش، حرکتش در مسیر اسلام حقیقی را پررنگ کرد. سعیدرضا عاملی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در پیامش به مناسبت شهادت سردار سلیمانی آورده است: «سردار سلیمانی، یکی از محبوب‌ترین چهره‌های انقلاب اسلامی بود که هرگز فکری جز حرکت برای عزت اسلام و مسلمان و مظلومان جهان در سر نداشت و نماد مبارزه با نظام سلطه و ظلم جهانی بود که زندگی را در مسیر مبارزه با ظالمان و دفاع از مظلومان اختصاص داده بود و الحق مصادق تمام‌عیار پیروی از اسلام ناب محمدی (ص) بود.» مکتب سلیمانی، مکتب شکل‌پذیرفته در این مدرسه انقلاب است، و شهید حاج‌قاسم سلیمانی، تربیت‌شده مکتبی است که امام عزیزمان، آن را پایه‌ریزی کردند. خصوصیات و مولفه‌های مهم مکتب شهید سلیمانی، همان خصوصیات و مولفه‌های اسلام ناب محمدی (ص) است. مکتب سلیمانی، در طول مکتب اسلام ناب، و در اندازه و قواره یک انسان کامل است. این مکتب، بر سه پایه معرفت اسلامی، سیر و سلوک، و احکام دینی استوار است. عرفان و معنویت سردار سلیمانی، در مکتب توحیدی تکامل یافت. شجاعت او، ثمره تهذیب نفس، شکست دادن دشمن درون و اخلاصش بود.

معنویتي که همیشه همراهش بود

هرکسی که حاج‌قاسم را می‌شناسد او را سرشار از معنویت می‌داند و معتقد است معنویت در درون او وجود داشت که ناب و ستودنی بود. نویسنده یکی از بخش‌های کتاب را به این موضوع اختصاص داده است و می‌نویسد: «معنویت، پایدارترین عنصر دین است که مشخص‌کننده ارتباط خصوصی بین فرد با خداوند محسوب می‌شود. معنویت اسلامی، انسان را شایسته رسیدن به قرب الهی می‌داند. امام خامنه‌ای در ۱۴ خرداد ۱۳۹۰ و در بیست‌ودومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «امام بزرگوار ما صرفاً راه خود را پی نمی‌گرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت. امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود.» معظم‌له در همان سخنرانی فرموده‌اند: «مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه اول، اخلاص او بود. امام، کار را برای خدا انجام داد. از اول، هرچه احساس می‌کرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام می‌داد... برای خاطر تعریف و تمجید این و آن حرفی نزد؛ کاری نکرد؛ اقدامی نکرد... امام، ماها را امر می‌کردند به اینکه اهل توکل باشیم؛ اهل اعتماد به خدا باشیم؛ اهل حسن ظن به پروردگار باشیم؛ برای خدا کار کنیم. خود او اهل توکل بود؛ اهل تضرع بود؛ اهل توسل بود؛ اهل استمداد از خدا بود؛ اهل عبادت بود... بخش مهمی از معنویت در اسلام عبارت است از اخلاق، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوءظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دل‌ها از یکدیگر. خود امام بزرگوار، این چیزها را رعایت می‌کرد... وقتی می‌گوئیم معنویت در مکتب امام خمینی نمود و وجود دارد، حاج‌قاسم سلیمانی که شاگرد مکتب امام است و به امام خمینی عشق می‌ورزد و خود را پیرو راه و اندیشه و خط و آرمان‌های امام و ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌داند، تعبد، تعهد، تقوا، تواضع، دنیاگریزی، آخرت‌گرایی، اخلاص، توسل، تضرع، ولایت‌محوری و تکلیف‌گرایی، عطر معنویت را با رنگ‌وبوی خدمات‌محوری بر سراسر مکتبش می‌افشاند تا غنچه‌های عبودیتش، او و حامیان و پیروان مکتبش را گل افشانی کند.

سجاده شاهد است برای شهادتش/ کارش دعا و گریه و امن یحیی بود

سردار محمدرضا فلاح‌زاده می‌گوید: «حاجی، اهل نماز شب بود. همیشه در قراقره‌ها نصر حلب و قراقره‌ها ثارالله ابوکمال، یک ساعت قبل از نماز صبح، مشغول نماز شب می‌شد. شبی در قراقره‌ها نصر صدای هق‌هق گریه‌اش را شنیدم. در را باز کردم. دیدم درحال قنوت نماز و تر است. حاجی به محض ذکر مصیبت اهل‌بیت(ع)، آقا سیدالشهدا و خصوصاً حضرت زهرا(س) بهاری جاری می‌شد. اهل دعا، زیارت و قرائت قرآن بود.» ابراهیم شهریاری، فرمانده گردان در لشکر ثارالله در دوران جنگ هشت ساله، می‌گوید: «به کاخ کرملین رفته بود و با پوتین قرار داشت. تا رئیس‌جمهوری روسیه برسد، وقت اذان شد. حاجی بلند شد. اذان و اقامه‌اش را گفت. صدایش در سالن پیچید. بعد به نماز ایستاد. همه نگاهش می‌کردند. می‌گفت در طول عمرش چنین لذتی از نماز نبرده. پایان نماز، پیشانی را روی مهر گذاشت و به خدای خود گفت خدایا، این بود کرامت تو. یک روزی در کاخ کرملین برای نابودی اسلام نقشه می‌کشیدند، حالا من قاسم سلیمانی آدمم اینجا نماز خواندم.»

هر که با معنویت‌ها، سروکارش باشد/ کار آشفته خود، رو به سعادت بکند

تکلیف برای عدالت اجتماعی

این روزها زیاد مفهوم عدالت را می‌شنویم، مفهومی که نباید از یاد برده شود و انقلاب اسلامی بر پایه همین موضوع شکل گرفته است. نویسنده بخشی را در این کتاب اختصاص داده است به اسم «عدالت اجتماعی» و در این بخش اشاره‌های بسیاری دارد به این مفهوم و نگاه رهبری و امام راحل و شهید قاسم سلیمانی را هم آورده است. او می‌نویسد: «عدالت اجتماعی، یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن، تخصیص منصفانه منابع در یک جامعه است. به این معنا، قانون باید به سطح مقبولی از عدالت حقیقی و رسمی دست یابد و توزیع منصفانه منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند. امام خامنه‌ای در ۱۴ خرداد ۱۳۸۳ فرموده‌اند: «عدالت اجتماعی، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست.»

عدالت اجتماعی، مبتنی‌بر عدالت‌تکوینی است که جهان بر آن استوار است، و زندگی جمعی مسالمت‌آمیز، براساس آن ممکن می‌شود. امام خامنه‌ای در ۱۹ تیر ۱۳۷۴ فرموده‌اند: «عدالت اجتماعی، یک امر اجتماعی محض است و مربوط است به حکومت؛ مربوط است به سیاست؛ مربوط است به شیوه فرمانروایی در جامعه.»

ایشان در ۱۴ خرداد ۱۳۸۱ نیز فرموده‌اند: «اصل عدالت اجتماعی، اجرای عدالت، درنظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پر کردن فاصله طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است.»

مملکت از عدل شود پایدار / کار تو از عدل تو گیرد قرار

سردار سلیمانی در هفته‌سیج سال ۱۳۹۷ می‌گوید: «وظیفه‌ای که نیروی قدس در مساله دین برعهده دارد، استمرار رسالت رسول معظم اسلام(ص) است. استمرار رسالت اولیای عظیم‌الشان بعد از پیامبر است؛ مقابله با ظلم؛ مقابله با دشمنان اسلام؛ دفاع از اسلام؛ ترویج اسلام؛ ترویج فرهنگ اسلامی؛ تجهیز مسلمانان برای دفاع از خودشان؛ دفاع از مستضعفان در مقابل مستکبران؛ شکست مستکبران.»

او دقیقاً در همین مسیر حرکت کرد. تلاش‌های سردار سلیمانی در جهت نجات مردم مظلوم عراق، سوریه، لبنان، یمن، افغانستان از یوغ متجاوزان و تروریست‌های آمریکایی، اسرائیلی و داعشی و برقراری صلح و ثبات در سوریه و عراق و نفی استمرگی‌ها و ظلم، و تلاش وی برای اجرای عدالت اجتماعی، هرگز از افکار و اذهان مردم مسلمان دنیا خارج نخواهد شد.

سردار سرتیپ پاسدار اصغر صبوری می‌گوید: «برای شهید سلیمانی، شیعه یا سنی تفاوتی نداشت. جان مسلمانان، برای او ارزش داشت. این تفکر را از رهبر انقلاب گرفته بود که در حمایت از جبهه مقاومت و مظلومان و گرفتاران، فرقی بین مسلمانان نیست.»

در نگاه سردار سلیمانی، عدالت اجتماعی و توجه به مردم و حل مشکلات مردم، مهم بود؛ انجام تکلیف، مهم بود.

چرا شناخت مکتب سلیمانی مهم است؟

شاید خیلی‌ها ندانند که این بحث مکتب شهید سلیمانی از کجا و چه زمانی شروع شد؟ اما در مقدمه این کتاب آمده است: «حاج‌قاسم یک مکتب است، زمانی که این جمله دهان به دهان پیچید که رهبر معظم انقلاب در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۹۸ و در خطبه‌های نمازجمعه تهران فرمودند: «ما به حاج‌قاسم سلیمانی شهید عزیز، به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم.» مکتب، یک طرح جامع و منسجم است که با جهان‌بینی و با دستورالعمل‌هایی که ارائه می‌دهد، بشر را به طرف کمال و هدشش راهنمایی می‌کند. علامه مرتضی مطهری در تبیین واژه مکتب آورده است: «مکتب، یعنی نیاز به یک تئوری کلی؛ یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی آن، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، باید‌ها و نباید‌ها، خوب‌ها و بد‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد باشد. اسلام، یک مکتب است. مکتب اسلام، تئوری پیروزی انسانیت بر حیوانیت، علم بر جهل، عدالت بر ظلم، مساوات بر تبعیض، فضیلت بر رذیلت، تقوا بر بی‌بندوباری، و توحید بر شرک است. اسلام عزیز، با چنین جهان‌بینی‌ای، مکتبی است جامع و واقع‌گرا. برای تبیین مکتب شهید حاج‌قاسم سلیمانی باید اول مکتب اسلام را بشناسیم. پس از آن، سراغ تشریح مکتب پیامبر(ص) و اولیای الهی برویم و مکتب حضرت سیدالشهدا(ع) را دقیق و عمیق بشناسیم. آن زمان است که مکتب امام خمینی (ره) نمود پیدا می‌کند. با شناخت مکتب خمینی کبیر، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی نیز شناخته شده است.» یک نکته مهم کتاب، این است، که به گفته نویسنده سعی شده ابتدا، مکتب اسلام گفته شود و بعد هم به مباحث دیگر بپردازند، نویسنده می‌نویسد: «در این کتاب کوشیده‌ایم پس از اشاره‌ای کلی به مکتب اسلام ناب محمدی(ص) و به مکتب امام حسین(ع)، شاخص‌های مکتب امام خمینی را بیان کنیم و ضمن تبیین هر شاخص از مکتب امام بزرگوارمان، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی را با مکتب امام خمینی تطبیق دهیم. همچنین سعی کرده‌ایم برای بیان شاخص‌های مکتب امام خمینی، از گفتار امام خامنه‌ای بهره بگیریم تا علاوه‌بر اتقان استدلال‌ها، مکتب امام خامنه‌ای هم تبیین شده باشد و برای خوانندگان عزیز روشن‌تر شود که شاگرد مکتب دو امام انقلاب اسلامی، مکتبی در امتداد رهبران انقلابش پایه‌گذاری کرده است که همه شاخص‌هایش با اسلام ناب محمدی(ص) مطابقت دارد.»

ارادتی از سر اخلاص

یکی دیگر از بخش‌های این کتاب بحث «ارادت به اهل‌بیت(ع)» است. ارادتی از روی اخلاص، که مطمئناً برای کسی مثل حاج‌قاسم سلیمانی این مساله خیلی مهم و حیاتی بوده است. نویسنده در این بخش کتاب می‌نویسد: «ارادت، به معنی دوستی از روی اخلاص است. ارادت به اهل‌بیت پیامبر گرامی اسلام، عشق و ارادت خالصانه و توجه و توسل به ائمه اطهار(ع) را در وجود فرد ترسیم می‌کند. امام خامنه‌ای در ۲۸ دی ۱۳۶۸ در دیدار با ذاکران و مداحان اهل‌بیت(ع) فرموده‌اند: «امام عزیزمان ـ آن انسان بزرگ زمان ما ـ نسبت به مدح ائمه، علیهم‌السلام، حساسیت فوق‌العاده‌ای داشت... کسی در این حد از مقام، این قدر به این مساله اهتمام بورزد، نشان دهنده عظمت این موضوع است.»

در دید و منظر آن انسان الهی، حرکت بر مدار ولایت معصوم و اولیای حق، مایه سیر در ملکوت، تربیت معنوی، تزکیه نفس، نیل به مقصد اعلی و مرصد اسنی خواهد بود. امام خمینی (ره) معتقد بودند: «برای اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع)، مقام‌های شامخ‌ه روحانی‌ه‌ای در سیر معنوی الی‌الله هست که ادراک آن نیز از طاقت بشر خارج و، فوق عقول ارباب عقول و شهود اصحاب عرفان است؛ چنان‌که از احادیث شریفه ظاهر می‌شود که در مقام روحانیت، با رسول اکرم(ص) شرکت دارند و انوار مظهره آنها، قبل از خلقت عوالم، مخلوق (بوده‌اند) و اشتغال به تسبیح و تحمید ذات مقدس داشته‌اند.» شاگرد این مکتب نیز با همین نگاه، فاطمه الزهرا(س) را مشکل‌گشا و حلال مشکلات می‌داند؛ به مدح او و فرزنداناش اهتمام دارد؛ با بردن نامش، اشک از دیدگانش جاری می‌شود؛ و به او توسل می‌کند.

سیدرضا اکرمی می‌گوید: «هر وقت در جبهه برای حاج‌قاسم مشکلی پیش می‌آمد، می‌گفت بگردید روضه خوانی پیدا کنید که با نام فاطمه(س) گره ما را برطرف کند.»

احمد یوسف‌زاده، آزاده دوران دفاع مقدس و نویسنده کتاب «آن ۲۳ نفر»، می‌گوید: «شبی که بنا بود عملیات والفجر هشت انجام شود، ابری ناخوانده از افق قد می‌کشد و پخش می‌شود توی آسمان و حالا، هم باد هست، هم باران! حاج‌قاسم باید غواص‌هایش را با تاریک شدن هوا، آرام و بی‌صدا از رود عبور دهد تا خط دشمن را تصرف کنند... اما با آن ابر سمج و باد بی‌موقع، حاج‌قاسم چه می‌توانست بکند جز اینکه غواص‌های لشکر را جمع کند دور خودش، بغضش را فرو بدهد و با صدایی آرام و چشمی اشک‌آلود بگوید برادران، آنچه نباید می‌شد، حالا شده. طبق پیش‌بینی، الان باید آسمان، صاف، و ابروند، آرام باشد؛ اما نیست. حالا برای عبور از موج‌های سرکش ابروند فقط یک راه مانده است؛ آب را به پهلوی شکسته زهر(س) قسم بدهید!»

نقش مردم و اعتقاد به این موضوع

مردم برای حاج‌قاسم همیشه مهم بوده است، او تکه کلامی داشته به اسم بچه‌های مردم که همیشه استفاده می‌کرده است. نویسنده بخشی از کتاب را با این عنوان آورده است: «اعتقاد صادقانه به نقش مردم» و در این بخش نوشته است: «امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، همواره بر نقش مردم در حکومت تأکید می‌کردند و مردم را یکی از پایه‌های حکومت اسلامی می‌دانستند و در بیانات خود همواره بر لزوم اتکای حکومت به مردم تأکید می‌ورزیدند. امام خامنه‌ای در ۱۴ خرداد ۱۳۸۳ و در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی فرموده‌اند: «در مکتب سیاسی امام، رای مردم، به‌معنای واقعی کلمه تأثیر می‌گذارد و تعیین‌کننده است. این، کرامت و ارزشمندی رای مردم است. از طرف دیگر، امام با اتکا به قدرت رای مردم معتقد بود که با اراده پولادین مردم می‌شود در مقابل همه قدرت‌های متجاوز جهانی ایستاد؛ و ایستاد.» امام خمینی معتقد بودند که با حضور مردم و با نظارت مردم می‌شود در مقابل تمام انحرافات ایستاد و نظام جمهوری اسلامی را حفظ کرد. امام خمینی، با مسئول دانستن آحاد جامعه و لازم‌شردن نظارت همگانی مردم در تمامی امور و ازجمله عملکرد دولتمردان و نظام سیاسی، بر اطلاع‌رسانی و پیگیری نتایج نظارت‌های دقیق مردمی حتی در حوزه نهاده‌ها و سازمان‌ها یای می‌فشرند و نبود نظارت همگانی را موجب تباهی و نابودی نظام مردم‌سالاری دینی می‌دانستند. معظم‌له در ۱۰ تیر ۱۳۶۰ در دیدار روحانیون و علمای تهران فرموده‌اند: «ملت اگر نظارت نکند در امور دولت و مجلس و همه چیز؛ اگر کنار برونند؛ بپسپازند دست اینها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد... اگر دخالت نکنند و صدمه‌ای به اسلام برسد، هر یک‌یک ما در محکمه عدل الهی مسئول هستیم... مگر می‌توانی بگویی اسلام به من چه ربطی دارد؟! تو! مکلفی حفظ کنی.» در مکتب شهید سلیمانی نیز همین اعتقاد صادقانه به نقش مردم و ارادت به ملت ایران و امت اسلامی می‌درخشد. او شاگرد و پیرو امام بود و قدم در جای قدم‌های مراد و رهبرش می‌گذاشت و به مردم ایران عشق می‌ورزید. سردار حاج‌قاسم سلیمانی در وصیت‌نامه‌اش نوشته است: «برادران و خواهران عزیز ایرانی من! مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد؛ کم‌اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید.» آن عزیز وارسته و عارف کم‌ظنیر، همچنین در وصیت‌نامه‌اش آورده است: «نکته‌ای هم خطاب به مردم عزیز کرمان دارم؛ مردمی که دوست‌داشتنی‌اند و در طول هشت سال دفاع مقدس، بالاترین فداکاری‌ها را انجام دادند و سرداران و مجاهدان بسیار والا‌قامی را تقدیم اسلام کردند. من همیشه شرمندۀ آنها هستم... عزیزان...، من شما را از پدر و مادر و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم؛ چون با شما بیشتر از آنها بوده‌ام. ضمن اینکه من پاره‌تن آنها بودم و آنها پاره وجود من؛ اما آنها قبول کردند من وجودم را نذر وجود شما و ملت ایران کنم.»